

مطالب این شماره

- رونق تولید (سر مقاله)
- آب، خاک و نفت؛ محورهای توسعه منطقه
- روند انجام مطالعات در منطقه آزاد اروند به چه شیوه و مکانیسمی باید متکی باشد؟
- گذار از بروکراسی یا پناه بردن به بروکراسی؟ (فروزان زیادلو)
- آشنایی با سیستم‌های اطلاعات مدیریت پروژه (علی انصاری)
- ملاحظاتی در باره الگوی تهیه طرح‌های شهرسازی در مناطق آزاد (سمیرا محمودی)
- ماجرای توسعه دُبی (بخش اول: نقش کانال آبی در توسعه)



تصویر از محمد عباسی

یک رقمی و ندرتاً دورقمی شروع می‌شود و چندسال طول می‌کشد که حجم تولید ناخالص داخلی به ظرفیت‌های بالا دست یابد. به ویژه، در اقتصادی مانند ایران که تولید از ناحیه عوامل خارجی مانند تحریم‌ها و یا عوامل داخلی مانند سیاست‌گذاری‌های ناصحیح و ناهماهنگی‌ها بین دستگاه‌های اجرایی مسئول و غلبه اقتصاد رانتی و سوداگرانه آسیب دیده است، ترمیم آسیب‌ها و قرارگرفتن مجدد روی سطح پایه و ریل توسعه برای شروع یک حرکت متوازن و متکی بر برنامه، به سال‌های بیشتری نیاز دارد. به هرصورت، نفس امر یعنی قرارداد "رونق تولید" در محور تصمیمات و اقدامات، نیکو و مبارک است ...

ادامه در صفحه بعد...

با نام‌گذاری سال ۱۳۹۸ به عنوان "رونق تولید"، این سوال به ذهن متبادر می‌شود که رونق تولید در گرو چه عواملی است و چگونه می‌توان با مدیریت این عوامل، تولید را به شکوفائی و رونق رسانید؟ بدیهی است که این امر در یک اقتصاد آزاد و رقابتی، در گرو همکاری همه جانبه بخش خصوصی به عنوان متصدیان اصلی تولید و دستگاه‌های دولتی به عنوان پشتیبانان، سیاست‌گذاران و تسهیلگران تولید می‌باشد. درعین حال، باید به خاطر داشت که به رونق رسانیدن تولید، فی‌نفسه زمانبر است و نباید انتظار داشت که در پایان سال ۱۳۹۸، ارزش تولیدات ملی ناگهان دوبرابر شود. رشد اقتصادی با نرخ‌های

رونق
تولید

سر مقاله

سازمان منطقه آزاد اروند نیز به عنوان یک نهاد دولتی باید در قلمرو جغرافیائی خود، برنامه ها و سیاست‌های لازم برای رونق بخشیدن به تولید اعم از تولیدات صنعتی و تولیدات دانش پایه و خلاق تدارک ببیند.

ادامه از صفحه قبل
هر یک از دستگاه‌های دولتی به اعتبار نقشی که در بالا برای آن‌ها برشمردیم، موظفند توجه اساسی خود را بدین امر معطوف داشته و به سهم خود برنامه ریزی و اقدامات لازم را در این زمینه انجام دهند.
سازمان منطقه آزاد اروند نیز به عنوان یک نهاد دولتی باید در قلمرو جغرافیائی خود، برنامه‌ها و سیاست‌های لازم برای رونق بخشیدن به تولید اعم از تولیدات صنعتی و تولیدات دانش پایه و خلاق تدارک ببیند و برنامه‌های خود را در این زمینه برای تنویر افکار عمومی و جلب و جذب فعالین اقتصادی به منطقه، هرچه زودتر اعلان نماید. حتی می‌توان گفت که سازمان‌های مناطق آزاد، هم به اعتبار قوانین و مقررات تسهیل کننده که قانونگذار برای آن‌ها در نظر گرفته است و هم به اعتبار سیاست‌هایی که پیش‌تر در منشور اقتصاد مقاومتی برای آن‌ها در زمینه رونق بخشیدن به تولید تعیین شده است، وظیفه‌ای سنگین‌تر و پیشگام را به عهده دارند.

اما، پیش از ورود به نقش و وظایفی که سازمان منطقه آزاد اروند می‌تواند در قلمرو جغرافیائی خود به عهده گیرد، لازم است اشاره‌ای به ساختار تولید و عوامل محرکه آن در محدوده این قلم به اختصار داشته باشیم. البته می‌توان در شماره‌های بعدی "رهوند"، در فرصتهایی که پدید می‌آید، مبنای

نظری این امر را مورد کندوکاو و تحلیل بیشتر قرار داد.
به طور کلی، تابع تولید، از عوامل سرمایه (K)، نیروی کار (L)، دانش فنی (N) و اطلاعات (I) تشکیل می‌شود. این عوامل یعنی مقادیر و کیفیت آنها، تابع تولید را تحت تاثیر قرار داده و مقدار آن را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، افزایش تولید تحت تاثیر عوامل زیر رخ می‌دهد:

- * میزان سرمایه‌گذاری در ماشین آلات و تهیه ادوات و تجهیزات فنی (عامل K)
- * بکارگیری نیروی انسانی متخصص و افزایش مهارت‌های نیروی انسانی از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور بهبود کارآئی و بازده نیروی انسانی (عامل L)
- * توسعه دانش فنی و استفاده از تکنولوژی‌های روزآمد و پیشرفته در امر تولید (عامل N)
- * استفاده از تکنولوژی ارتباطات و ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی (عامل I)

تدارک و مدیریت این عوامل از طریق بخش خصوصی انجام می‌گیرد که تصدی مستقیم امر تولید را در یک اقتصاد آزاد و رقابتی به عهده دارد. در مقابل، بخش دولتی به عنوان پشتیبان و تسهیلگر، باید سیاست‌ها و برنامه‌هایی را طرح و تدارک دیده و به مورد اجرا گذارد که دسترسی بخش

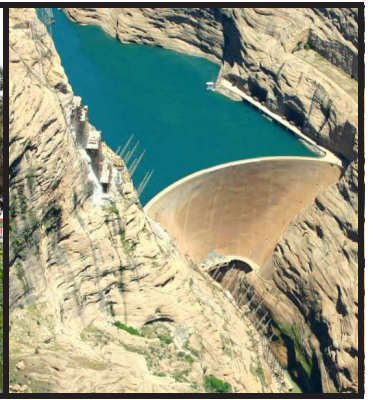
خصوصی را به عوامل فوق فراهم و آسان نماید. معمولاً، این تسهیلگری و آسان سازی برای دولت از طریق تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی (مانند نرخ بهره بانکی، کنترل نرخ تورم، مدیریت نرخ ارز و ...)، سیاست‌های مالی (بودجه بندی، سیاست‌های مالیاتی و ...)، بهبود فضای کسب و کارها و ایجاد شرایط رقابتی رخ می‌دهد. دو عامل اخیر یعنی بهبود فضای کسب و کارها و ایجاد شرایط رقابتی، توسط مولفه‌ها و متغیرهایی تعریف می‌شوند که از مهم‌ترین آن‌ها برای اولی، بوروکراسی زدائی و برای دومی، جلوگیری از ایجاد انحصارات می‌باشد. سازمان منطقه آزاد اروند به عنوان یک دولت محلی، در چارچوب امکانات و محدودیت‌های خود، وظایف و مسئولیت‌هایی را می‌تواند در قلمرو جغرافیائی خود به عهده گرفته و مورد پشتیبانی قرار دهد که در این شماره به ذکر عناوین مهم‌ترین آنها بسنده کرده و در شماره‌های آتی رهوند، هر یک از این مباحث را با فرصتی بیش‌تر مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

این وظایف و عوامل که هر یک، به تدوین برنامه‌های خاص در سطح منطقه به فراخور ظرفیت‌ها و استعدادهای آن نیاز دارد و به فوریت بایستی از طریق تشکیل کارگروه‌های تخصصی نسبت به تدوین و به اجرا رساندن آن‌ها اهتمام گردد، عبارتند از:

۱. تاسیس بانک منطقه‌ای و سایر نهادهای مالی در منطقه با هدف تسهیل در فراهم سازی منابع مالی اعم از منابع سرمایه‌ای در طرح‌های ایجاد یا توسعه‌ای و منابع سرمایه در گردش جهت تامین نقدینگی مورد نیاز واحدهای صنعتی و تولیدی فعال
۲. اجرای پروژه‌های زیرساختی مهم و توسعه آفرین از طریق جلب مشارکت‌ها و تجهیز منابع بازار سرمایه
۳. ایجاد ساختار تشکیلاتی چابک برای سازمان منطقه آزاد اروند از طریق تبدیل مراکز هزینه به مراکز سود، سبک کردن بار وظایف تصدی‌گری سازمان، ساده کردن روند اجرای کارها و مقررات زدائی همراه با کاهش هزینه‌های جاری.
۴. تقویت نهادهای صنفی کارفرمایی در منطقه و بهره‌گیری از توان فکری مدیران بنگاه‌های خصوصی در امور برنامه ریزی و سیاست گذاری
۵. تقویت موسسات دانش بنیان و استارت آپ‌ها در منطقه و کوشش در جهت افزایش سهم این موسسات در ایجاد ارزش افزوده تولیدات صنعتی در منطقه.
۶. توسعه سامانه‌های مدیریت اطلاعات در منطقه



پیش به سوی
تشکیل این کارگروه‌ها
به عنوان گام آغازین



آب، خاک و نفت؛ محورهای توسعه منطقه

میگو و غیره و همچنین کوچ کردن روستاییان و خشک شدن تالابها به عنوان آبشخور و غلتگاه گاو میشان و به ویژه با نفوذ جذرومد خلیج فارس به بالادست رودخانه کارون و بالارفتن میزان قلیایی شدن خاک همراه با عدم مراقبت سازمان های مسئول و استفاده از کودهای شیمیایی نامناسب، محور آب و خاک در امر توسعه کشاورزی، جایگاه توسعه آفرینی قدیم خود را از دست داده است. اکنون، باید به فکر ترمیم و جبران صدمات آسیبها بود تا حیات کشاورزی بخش جنوبی استان خوزستان بیش از این به مخاطره نیفتد. بنابراین، استراتژی سازمان منطقه آزاد اروند در این برهه از زمان باید مبتنی بر ترمیم و حفظ بقا از گذر اجرای پروژه هایی باشد که ترمیم صدمات گذشته را در پی داشته باشد.

تردید نیست، که توسعه پتروشیمی و صنایع زبردست آن با توجه به ایجاد ارزش افزوده و دامنه گستردگی و اثرگذاری آن در توسعه سایر رشته های صنعتی، همچنان یکی از محورهای رشد استان به شمار می رود و جا دارد که ما به عنوان آغازگر این صنعت درخاورمیانه، جایگاه اولی خود را که به عربستان واگذاشته ایم، بازستانیم. در زمینه تجارت و توسعه بر محور لجستیک و صنعت حمل و نقل، بندر خرمشهر به علت قابلیت رسوب گذاری در دهانه اروند ناشی از حمل رسوبات آبرفتی از بالادست به این نقطه و هزینه گزاف لایروبی و لزوم تکرار آن در هر دو سال یکبار و هم چنین محدودیت عمق آبخورد در مصب رود اروند برای پهلوگیری شناورهای بزرگ، دیگر بسان گذشته از محورهای مدارهای توسعه محسوب نمی شود.

صنایع پتروشیمی، خدمات بهداشت همگانی، خانه سازی، تاسیس یک شرکت بزرگ دولتی کشت نیشکر و ایجاد مزارع کشت نیشکر و کارخانه نیشکرومستان، ایجاد فرودگاه بین المللی آبادن، طبقه بندی خاک های زراعتی، تنظیم برنامه وسیعی برای حاصلخیزی زمین، تعیین و آزمایش نوع کود مورد نیاز منطقه و غیره و همچنین مزارع کشت و صنعت به اجرا درآمد و محور کشاورزی و صنایع تبدیلی یعنی محورهای آب و خاک در کنار محور نفت، توسعه چشمگیر این قطعه از جغرافیای ایران را رقم زد. باید اشاره کنیم که رود کارون پرآب ترین رود خاورمیانه به شمار رفته و خاک خوزستان نیز به لحاظ بافت و جنس و املاح آن یکی از بهترین خاک های دنیا در تولیدات کشاورزی به شمار می رود. به هر حال، آب و خاک و نفت، همچنان که تشخیص داده شده بود، مزیت ها و پتانسیل های توسعه ای این استان زرخیر را تشکیل می دادند.

آیا امروزه نیز چنین است؟ سازمان منطقه آزاد اروند که متولی بازسازی و توسعه بخش جنوبی استان خوزستان شده و همپا با سایر مناطق آزاد کشور، مامور ایجاد الگوی توسعه ای برای کشور از طریق پیوند با اقتصاد جهانی گردیده است، می تواند همین محورها را تعقیب کرده و نسخه توسعه بخش جنوبی خوزستان را بسان گذشته بیچند؟

تردید نیست که به علت جنگ تحمیلی و تخریب وسیع نخلستانها و کشت های میانکاری آنها، پدیده خشک سالی پی در پی و سیاست های اجرائی غلط مانند احداث سدها در بالادست کارون، اجازه ایجاد مزارع پرورش

توسعه اقتصادی استان خوزستان از دیرباز تاکنون، حول سه محور آب، خاک و نفت چرخیده است. داری با کسب امتیاز استخراج نفت، پای صنعت نفت را به استان خوزستان کشانید. گو اینکه سهم ایران از منافع حاصله بسیار ناچیز بود و استعمار فرتوت و حيله گر انگلیس، ارزش های اقتصادی را به یغما می برد، اما با ملی شدن صنعت نفت و سایر وقایع پس از آن، حاکمیت ایران بر منابع داخلی خود تثبیت شد و چرخ های صنعت نفت به دست ایرانیان به گردش درآمد. در روند احداث صنایع نفت در خوزستان، آبادان به یک شهر بین المللی تبدیل شد و توسعه اجتماعی و فرهنگی نیز به موازات توسعه صنعت نفت به جامعه محلی نفوذ کرد. در پرتو این توسعه، لقب سرزمین طلای سیاه یعنی نفت که در اقتصاد نفتی ایران جایگاه بی بدیلی یافته بود، بر منطقه گذاشته شد. خرمشهر نیز به موازات افزایش ظرفیت های تجاری ایران به بزرگ ترین بندر تجاری کشور تبدیل شد و حمل و نقل کالا از این بندر در محور راه آهن سرتاسری و جاده ترانزیتی تا اقصا نقاط ایران کشیده شد. در کنار توسعه صنایع نفتی، با تاسیس سازمان عمران خوزستان توسط سازمان برنامه وقت به مدیریت ابوالحسن ابتهاج و انجام مطالعات میدانی توسط مهندسان مشاور "لیپنتال" و "کلاب" و با الگو برداری از برنامه های عمرانی دره تنسی در امریکا، طرح های عمرانی بسیاری از جمله احداث ۴۱ سد بتونی و مخزنی (شامل سد بزرگ دز)، طرح های آبیاری و آماده سازی زمین های کشاورزی، تاسیس پژوهشگاه های بذر و خاک، نیروگاه و خطوط انتقال برق، راه اندازی

استراتژی سازمان منطقه آزاد اروند در این برهه از زمان باید مبتنی بر ترمیم و حفظ بقا از گذر اجرای پروژه هایی باشد که ترمیم صدمات گذشته را در پی داشته باشد.



تصویر از مهدی علی‌نایی

به دست می‌آورد! بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در جامعه محلی در محورهای هم‌چون صنایع فرهنگی، اقتصاد خلاق و گردشگری نیز می‌تواند یکی دیگر از محورهای رشد و توسعه منطقه را تشکیل دهد که دوطرفه است، یعنی هم ظرفیت‌های موجود کم‌هزینه و زودبازده‌ای را در اختیار می‌گذارد و هم خود از ثمرات رشد خوشه‌ها برمی‌چیند و توسعه‌ای به صورت جامع، یکپارچه و پایدار در داخل منطقه شکل می‌گیرد که از ضروریات برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی محسوب می‌شود.

در ختم مقال، باید بدین نکته نیز اشاره داشته باشیم که اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در حالت موجود یعنی تکه تکه شدن سازمان‌های اجرایی در منطقه آزاد اروند و عدم هماهنگی آنها با سازمان منطقه آزاد اروند، از مهم‌ترین موانع توسعه به شمار می‌رود. مطالعات انجام شده نشان داده است که توفیق چشمگیر سازمان عمران خوزستان با آن پیشینه درخشان، علاوه بر اخذ الگوی مطالعاتی و برنامه‌های طراحی صحیح، در گرو این بود که هم‌زمان با تاسیس این سازمان، کلیه سازمان‌های محلی نیز که به نوعی در امر اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در استان خوزستان درگیر بودند، با کلیه ابواب جمعی، تشکیلات و اعتبارات خود در این سازمان ادغام شدند و یک مدیریت یکپارچه با فرماندهی قوی، عهده‌دار اجرای برنامه‌های توسعه‌ای گردید. ■

صحیح به نظر نمی‌رسد. در مقابل، درحاشیه صنعت نفت، فعالیت اقتصادی جدیدی به نام صنایع "فراساحلی" به منظور تامین تجهیزات، قطعات و خدمات موردنیاز سکوها نفتی در خلیج فارس به وجود آمده که محور توسعه‌ای جدیدی را برای منطقه گشوده است. این فعالیت می‌تواند بصورت صدور خدمات فنی-مهندسی به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز گسترش یابد و درآمدزایی ارزی برای منطقه را موجب شود. ایران، کشوری است که علیرغم داشتن خطه ساحلی دور و دراز خود در جنوب و شمال، از پتانسیل‌ها و استعدادها دریاپی خود چندان بهره‌ای نگرفته است. این استعدادها و پتانسیل‌ها که عنوان "اقتصاد دریا محور" بر آن نهاده‌اند، فعالیت‌های متعددی را شامل می‌شوند که از جمله آن‌ها می‌توان به کشتی‌سازی، تعمیرات کشتی‌ها و کانتینرها، گردشگری دریایی، کشاورزی دریایی (کشت آلکها در مزارع دریایی)، شیلات، دانش گسترده فناوری زیستی (بیوتکنولوژی) با شاخه‌های متعدد آن، استخراج منابع دریایی، بهره‌گیری از انرژی دریا، خدمات کپترینگ و بانکرینگ و غیره اشاره داشت که در تمامی خطه‌های ساحلی ایران مغفول مانده است و منطقه آزاد اروند می‌تواند در این زمینه پیشگام و تحول آفرین باشد. فقط کافی است اشاره کنیم که شیخ نشینی به نام فحیره در گوشه دورافتاده‌ای از دریای عمان، سالی ۷ میلیارد دلار از ارائه خدمات بانکرینگ و کپترینگ و تعمیرات شناورها و کانتینرها، بهره‌پولی خالص

اما این بدان معنا نیست که بخش جنوبی استان خوزستان یعنی محدوده منطقه آزاد اروند فاقد پتانسیل‌های توسعه آفرین در این زمینه باشد. ایجاد یک پارک مدرن و پیشرفته لجستیکی در شلمچه، همراه با احداث شبکه‌های ریلی و جاده‌ای مانند اتوبان خلیج فارس و خط ریلی بندرامام-خرمشهر-شلمچه و اتصال آن به راه آهن عراق و سوریه برای رسیدن به دریای مدیترانه و ایجاد کریدور بین‌المللی حمل و نقلی در این مسیر و نهایتاً احداث مگاپورت در پیش آمدگی آب در "اروندکنار" که دسترسی به عمق بیش از ۲۰ متر را برای شناورها به وجود می‌آورد، می‌تواند روزگاران رونق قدیم را احیاء کرده و صد البته بر آن پیشی جوید و علاوه بر توسعه منطقه‌ای، به ارتقاء نقش ایران در لجستیک فرامرزی بیانجامد.

در زمینه توسعه صنعتی، در دهات امر به نظر می‌رسد که بهره‌گیری از مزیت‌های نفت و گاز طبیعی برای توسعه صنایع پائین دست بر محور "صنایع انرژی بر" از قبیل فولادسازی‌ها، تولید سیمان، آلومینوم‌سازی و غیره، می‌تواند یکی از محورهای توسعه صنعتی در منطقه به شمار رود. اما، با توجه به عدم بسندگی زیرساخت‌ها از جمله کمبود برق، فقدان بنادر بزرگ برای واردات سنگ آهن مورد نیاز فولادسازی‌ها و صدور محصولات این صنایع و همچنین نارسائی شریان‌های جاده‌ای موجود و فشارهای ترافیکی وارده بر آن‌ها و به خصوص آلوده‌سازی بسیار شدید این صنایع و بهم ریختن کیفیت زندگی اهالی، توسعه این دسته از صنایع در این بخش مطلقاً

ایجاد یک پارک مدرن و پیشرفته لجستیکی در شلمچه، همراه با احداث شبکه‌های ریلی و جاده‌ای و ایجاد کریدور بین‌المللی حمل و نقلی و احداث مگاپورت در پیش آمدگی آب در "اروندکنار"، می‌تواند روزگاران رونق قدیم را احیاء کرده و صد البته بر آن پیشی جوید و علاوه بر توسعه منطقه‌ای، به ارتقاء نقش ایران در لجستیک فرامرزی بیانجامد.



روند انجام مطالعات در منطقه آزاد اروند، باید بر چه شیوه و مکانیسمی متکی باشد؟

فرض کنید که در سال ۹۸، در نظر داریم که ۲۰ پروژه را در یک نقطه جغرافیایی مفروض مورد مطالعه قرار دهیم تا پس از اتمام مطالعات، آن‌ها را به اجرا درآوریم. سوالی که مطرح می‌شود اینست که با در نظر داشتن محدودیت منابع مالی و بودجه‌ای خود، درگام نخست کدامین پروژه یا پروژه‌ها را انتخاب کرده و منابع خود را هزینه کنیم که نهایتاً بیشترین بازده از اجرای آن پروژه یا پروژه‌ها به دست بیاید؟

اثرگذاری یک پروژه را به صورت ایجاد یک "منظومه" روشن می‌کند. بدین ترتیب، یک سازمان توسعه آفرین برای انتخاب و اولویت بندی اجرای پروژه‌ها باید دو معیار نرخ بازده و اثرات القائی آن‌ها را همزمان مورد بررسی قرار داده و پروژه هائی را در گام نخست در دستور کار خود قرار دهد که مقادیر این دو متغیر را بیشینه می‌سازند و این چنین است که از صرف منابع کمیاب اقتصادی خود بیشترین بهره را به دست می‌آورد. این مطالعات باید در طرح جامع سازمان‌ها توسعه ای انجام گیرد و نقشه راه برای اجرای پروژه‌های مورد نظر تهیه شود. هرگونه تصمیم‌گیری خارج از این پارادایم، هدر دادن منابع تلقی می‌شود. ■

عبارت دیگر "نرخ بازده اقتصادی" و یا "ارزش افزوده اقتصادی" برای انتخاب و سرمایه‌گذاری روی یک پروژه کافی است؟ پاسخ این است که اگر از منظر یک بنگاه اقتصادی نگاه کنیم، این معیار به همراه بررسی هزینه فرصت برای تصمیمات سرمایه‌گذاری کافی است. اما، از منظر اقتصاد اجتماعی این معیار به تنهایی کافی نیست. مثلاً سازمان منطقه آزاد اروند که یک سازمان توسعه‌ای است، نمی‌تواند تنها به معیار بازده بسنده کند. بلکه در چارچوب اقتصاد اجتماعی باید پارامترهای توسعه ای دیگر را را نیز وارد تصمیمات سرمایه‌گذاری خود نماید. این پارامترها چه هستند؟ مهم‌ترین این پارامترها، پیوندهای پسین و پیشین یک پروژه است. این پیوندها به ما می‌گویند که اجرای پروژه روی چه فعالیت‌هایی در بالادست و پائین دست خود اثرگذار است و اثرات القائی آن تا کجا کشیده می‌شود. در واقع، اثرات القائی، دامنه

اصل مهم در اقتصاد، کمیابی منابع است. بنابراین انتخاب پروژه‌ها باید در چارچوبی انجام پذیرد که بازدهی به دست آمده از صرف منابع، برای ما بیشینه گردد. اما، بیشینه شدن بازده چگونه حاصل می‌شود؟ معمولاً، نرخ مناسب بازده با عددی با عنوان "آیکور" تعریف می‌شود. عدد آیکور در دامنه ای از ۳ تا ۷ قرار دارد. عدد ۳، کف و عدد ۷، سقف آن را نشان می‌دهد. مطابق این عدد، ما باید پروژه‌هایی را برای سرمایه‌گذاری و صرف منابع انتخاب کنیم که حداقل بازده آن برابر ۳ باشد؛ یعنی از هر واحد سرمایه‌گذاری، ۳ برابر بازده به چنگ آوریم. بدیهی است که هرچه عدد آیکور بزرگ‌تر بوده و به ۷ نزدیک‌تر باشد، صرفه اقتصادی ما در اجرای پروژه بیشتر خواهد بود. این صرفه اقتصادی یعنی نرخ بازده را می‌توان "ارزش افزوده" نیز نامید. حال سوال دیگری مطرح می‌شود و آن اینست که آیا صرفه اقتصادی یا به

گریز از بروکراسی یا پناه بردن به بروکراسی؟

دلخواهانه ارباب بستگی دارد و مورد ارزشیابی منطقی قرار نمی‌گیرد. بدیهی است که در این سیستم، مناسبات و روابط خویشاوندی و گروهی جایگزین شایسته سالاری و استخدام افراد براساس دانش فنی آن‌ها می‌شود و نتیجتاً کارآیی و بازدهی کارها به پایین درجه می‌رسد. در نظام فئودالی، مالکیت سازمان بر ابزار تولید، هرگز نمی‌تواند از حیثه تصرف ارباب به درآمده و جدائی بین مالکیت و مدیریت به وجود آید. در واقع، جدایی ابزار تولید از مالکیت فقط در نظام سرمایه داری رخ می‌دهد و بزرگ شدن سازمان‌ها همراه با تخصصی شدن و توسعه استفاده از دانش فنی است که مدیریت سازمان‌ها را از مالکیت آن‌ها جدا می‌سازد و مدیران حرفه‌ای، اداره سازمان‌ها را در دست می‌گیرند. درعین حال با بروز اشکال مختلف مالکیت مانند ایجاد شرکت‌های سهامی عام، مالکیت عمده به مالکیت‌های خرد نیز تجزیه می‌شود و بدینسان امکان حضور و بروز سرمایه داری مردمی پدید می‌آید.

بدیهی است که ایجاد سازمان‌های بوروکرات، با تحولات اجتماعی نیز همراه می‌شود. به عبارت دیگر، ایجاد مفهوم بروکراسی و پیدایش سازمان‌های بزرگ، با تحولات و تغییر در قشر بندی و نظام اجتماعی همراه می‌گردد؛ با پیدائی قشر بوروکرات و دیوانسالاران در جامعه و رسوخ آن‌ها به ساختار سیاسی و گرایش عامه مردم به تحصیلات و کسب دانش فنی برای خود و فرزندانشان، به تدریج دیوانسالاران در نظام اجتماعی منزلتی روزافزون می‌یابند و طبقه کارمندان به وجود می‌آید که واجد قدرت در ساختار اداری کشور هستند. در ایران، از دوره صفویان که نخستین تقسیم کار را در داخل مانوفاکتورها (کارگاه‌های بزرگی که در آن تقسیم کار به

ماکس وبر، جامعه شناس بزرگ آلمانی، در سال ۱۹۱۰ میلادی یعنی در اوایل قرن بیستم (اندکی پیش از جنگ جهانی اول) که جهان درگیر برخورد قدرت‌های سیاسی، مستعمره سازی، پیدایش نظام سرمایه داری متقدم و شکل‌گیری سازمان‌های بزرگ بود، مفهوم بروکراسی یا دیوانسالاری را فرمول بندی کرد. در تعریف ماکس وبر، بروکراسی، دانشی برای اداره سازمان‌ها به طور "معقول" است. سازمان معقول، واجد خصلت‌های زیر است:

- * تخصصی شدن کارها در حد عالی (تقسیم کار پیشرفته)
- * ساختار قدرت مبتنی بر سلسله مراتب.
- * اصول و قواعد شکل‌یافته رفتاری (حاکمیت قوانین و مقررات و غیرشخصی بودن اداره امور)
- * جدایی اعضای دستگاه اداری از مالکیت سازمان یا وسایل تولید.
- * استخدام کارکنان بر اساس توانایی و دانش فنی (شایسته سالاری)
- * ضبط و نگهداری سوابق تصمیمات، اقدامات و مقررات اداری

هیچیک از مختصات مذکور در یک نظام فئودالی وجود ندارد. در یک نظام فئودالی یعنی "ارباب- رعیتی"، ساختار قدرت مبتنی بر سلسله مراتب و غیر شخصی بودن اداره امور (حاکمیت قانون و مقررات) نیست. ارباب، تمامی سپهر قدرت را در دستن خود دارد و رعایا مستقیماً از او آویخته‌اند. در این نظام، موقعیت شغلی افراد تثبیت شده نیست و در مسیر آینده، "کارراهه" مشخصی برای طی سلسله مراتب و ارتقاء مبتنی بر تجربه، تحصیل و شایستگی برای آنان وجود ندارد. بلکه، موقعیت افراد در هر لحظه به تصمیمات



سِزِیْف
شخصیتی در
اساطیر یونان
است که به عنوان
مجازاتی برای
فریبکاری‌هایش مجبور
به حمل تخته سنگی بزرگ
به بالای شیبی تند گردید.
زئوس زبرکی خود را در طلسم
کردن صخره نشان می‌دهد
تا قبل از رسیدن به قله دوباره
به پایین بغلتند. به این ترتیب به
عقوبتی بی‌حاصل و بی‌پایان محکوم
شد که در آن می‌بایست سنگ بزرگی را تا
نزدیک قله‌ای ببرد و قبل از رسیدن به پایان
مسیر، شاهد بازگلتیدن آن به اول مسیر
باشد؛ و این چرخه تا ابد برای او ادامه دارد.
بروکراسی منفی، حکایت سِزِیْف و چرخه باطل
تلاش بی‌هوده و هدر ساختن منابع را به ذهن
متبادر می‌سازد.



در روند اصلاحات سازمانی و تبدیل آن از یک تشکیلات لخت و سنگین به تشکیلاتی چابک و پویا، ساده کردن مسیر کارها و حذف مراحل کاری غیرلازم برای مراجعان همراه با حذف مقررات زاید از اقدامات اساسی و نخستین گام‌ها محسوب می‌شود.

کاری غیرلازم برای مراجعان همراه با حذف مقررات زاید از اقدامات اساسی و از نخستین گام‌ها محسوب می‌شود. البته چابک سازی سازمانی فقط به این عوامل محدود نمی‌شود، بلکه تبدیل مراکز هزینه به مراکز درآمد، برون سپاری کارها و به ویژه شایسته‌سالاری از گام‌های اساسی بعدی به شمار می‌روند. تردیدی نیست که اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی فقط و فقط از گذر ایجاد سازمان‌های چابک و کارآمد و گذر از بروکراسی حامل بار منفی امکان پذیر است.

بروکراسی مثبت یعنی انتظام‌پذیری، سازگاری برنامه و تشکیلات و کارآمدسازی سازمانی- از ضروریات و بدیهیات امر توسعه به شمار می‌رود. ■

می‌بینیم که عنوان بروکراسی در کلیت خود دارای بار مثبت است و به سازمان‌های معقول اطلاق می‌شود. اما چه شد که این مفهوم به تدریج بار منفی به خود گرفت و به عدم کارآئی سازمانی تبدیل شد؟ بروکراسی، هنگامی که با غلبه مقررات خشک و زاید و طولانی شدن مسیر اجرای کارها به دلیل گسترش سازمان از نظر طولی و همچنین سپردن کارها به دست افراد ناکارآمد همراه می‌شود، از بار مثبت تهی می‌گردد و به ورطه "قرطاس بازی" (کاغذبازی) می‌لغزد. در این سیستم، توانمندی‌های

وجود آمده، اما هنوز نیروی محرکه تولید مبتنی بر کار دستی- و نه استفاده از ماشین- (بود) شکل دادند و اولین نظام طبقه بندی مشاغل را در دنیا ایجاد کردند، گروهی از افراد با عنوان "مستوفی" یا "میرزا" به وجود آمدند. بنابراین، ما مواجه با مفهوم دیوانسالاری در این ایام و دوره‌های حکومتی پس از آن بوده‌ایم. اما، پیدایی این قشر در ایران هنوز در داخل یک نظام ارباب-رعیتی است و مستوفیان هنوز در ساختار قدرت سیاسی واجد اهمیت نیستند. این، فقط در دوران اصلاحات امیر کبیر است که کوشید از طریق ایجاد "دارالفنون" (مرکزی برای ایجاد دانش‌های فنی) و اعزام اولین محصلین به خارج، افراد واجد صلاحیتی را تربیت کرده و وارد دستگاه اداری و سیاسی کشور نماید. "بروکراسی" که در روند تطور و توسعه خود به مفهوم "تکنوکراسی" تبدیل شد، اقبال به شدت تحصیلکرده‌ای در چارچوب توسعه و غلبه دانش و تکنولوژی در نظام جهانی را پدید آورد که هم در داخل یک بنگاه اقتصادی، توسعه بنگاه مبتنی بر استفاده از نرم افزارها و دانش فنی را در شرایط رقابتی شکل دادند و هم در داخل دستگاه‌های عمومی کشور، امر برنامه ریزی توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور را با استفاده از رویکردها و مدل‌های پیشرفته مانند آمایش سرزمین، برنامه ریزی استراتژیک، برنامه ریزی جامع، برنامه ریزی محوری و غیره به جلو بردند که توسعه صنعتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به طور کلی ایجاد "جامعه رفاه" پیامد آن بود.

بروکراسی مثبت - یعنی انتظام‌پذیری، سازگاری برنامه و تشکیلات و کارآمدسازی سازمانی- از ضروریات و بدیهیات امر توسعه به شمار می‌رود.

سازمانی مانند چابکی، کارآئی و روحیه خدمت از بین می‌رود و با سازمانی رو به رو می‌شویم که لخت و سنگین، مصرف‌کننده و تلف‌کننده منابع است و از نهاده‌ها فقط برای بقاء و گسترش خود استفاده می‌کند و تولید اجتماعی و محصول در آن به پائین‌ترین سطح تنزل می‌یابد.

در روند اصلاحات سازمانی و تبدیل آن از یک تشکیلات لخت و سنگین به تشکیلاتی چابک و پویا، ساده کردن مسیر کارها و حذف مراحل

آشنایی با سیستم‌های اطلاعات مدیریت پروژه (PMIS)

برنامه ریزی منابع سازمانی (ERP) در سازمان‌های پروژه محور جابجایی نیازهای مدیریت پروژه نیستند و کاربرد و استفاده از سیستم اطلاعات مدیریت پروژه (PMIS) برای این سازمان‌ها یک ضرورت بشمار می‌رود. متأسفانه در ایران از سیستم‌اطلاعات مدیریت پروژه در سازمان‌های بسیار محدودی استفاده می‌شود و اکثراً به همان سیستم‌های اطلاعاتی معمول بسنده کرده و مابقی کارها را نیز بصورت کاغذی و روش‌های سنتی انجام می‌دهند، در حالیکه در کشورهای توسعه یافته نرم افزارهای پیشرفته BIM (Building Information Modeling) طراحی و استفاده می‌شود که از مراحل آغازین پروژه تا زمان تحویل پروژه به کارفرما را در بر گرفته و گردش اطلاعات پروژه از طریق سیستم جامع مدیریت پروژه بین سازمان‌های کارفرما، مهندسین مشاور و پیمانکار میسر می‌گردد. باتوجه به حجم بالای بودجه عمرانی سازمان منطقه آزاد اروند در سال ۱۳۹۸ و تامین بخشی از بودجه سال جاری از منابع برونی سازمان مانند فاینانس و انتشار اوراق صکوک، استفاده از سیستم مدیریت اطلاعات پروژه در واحد کنترل پروژه یک ضرورت به شمار می‌آید تا قابلیت کنترل مصارف بودجه‌ای و تحلیل‌های آن همراه با نمایان کردن شکاف و فاصله بین منابع پیش بینی شده و مصارف انجام شده و جذب منابع باقی‌مانده امکان‌پذیر گردد. ■

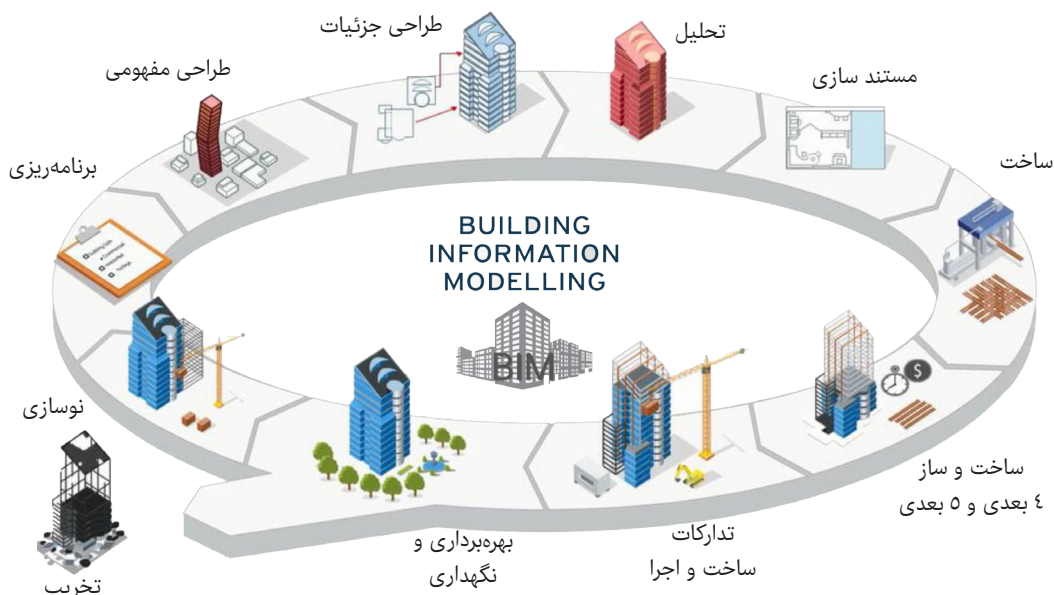
PMIS عبارتند از:

- * ایجاد يك سیستم اطلاعاتی یکپارچه
- * تهیه و تدارک اطلاعات مفید جهت تصمیم‌گیری مدیریتی
- * تسریع و تسهیل دسترسی به اطلاعات پروژه توسط کاربران
- * بالا بردن سطح امنیت اطلاعات
- * دسترسی به گزارش‌های متنوع و ایجاد سیستم مستند سازی
- * بالابردن کارایی و اثر بخشی پروژه و تمرکز زدایی
- * تطبیق‌پذیری با فرآیندهای سازمان و ارتباط با سایر سیستم‌ها
- * پشتوانه اطلاعاتی جهت استفاده از اطلاعات بقیه پروژه‌ها
- * استفاده از سیستم اطلاعات مدیریت پروژه (PMIS) در سازمان های پروژه محور، منافع و فوایدی را در بر دارد که از جمله آن ها می‌توان به انسجام و وحدت رویه در طول زمان اجرای پروژه در این سازمان ها اشاره داشت که برای اجرای پروژه به طور هماهنگ بین کلیه واحدهای سازمانی درگیر، بسیار ضروری است. درعین حال، سیستم اطلاعات مدیریت پروژه، تحت این پروتکل یعنی وحدت رویه، به رشد فرهنگ جامع مدیریت پروژه نیز در سازمان منجر می‌گردد. همچنین، سیستم اطلاعات مدیریت پروژه این قابلیت را نیز دارد که می‌تواند با سایر سیستم های سازمان به ویژه مالی، بازرگانی و سفارشات ارتباط و هماهنگی برقرار نماید.
- به طوركلی، می‌توان گفت که سیستم اطلاعات مدیریت (MIS) و سیستم

امروزه، برای انجام يك پروژه سازمان‌های متعددی از جمله کارفرما، مهندسین مشاور و پیمانکاران عمومی و جزء درگیر هستند و با توجه به پیچیدگی روز افزون پروژه‌ها، نیاز مبرم به سیستم های اطلاعاتی ویژه سازمان های پروژه محور بیش از پیش احساس می‌شود.

مطابق استاندارد PMBOK، هر پروژه از آغاز تا پایان دارای مراحل آغازین، برنامه ریزی، اجرا، مانیتورینگ و اختتام می‌باشد. هر سیستم اطلاعاتی که طراحی شود، بایستی بتواند مراحل ۵ گانه فوق را پشتیبانی نماید. بنابراین، سیستم های اطلاعاتی خاص پروژه یعنی PMIS (Project Management Information Systems) نمی‌توانند مشابه با سیستم‌های اطلاعات مدیریت (MIS Management Information Systems) و یا حتی سیستم‌های ERP (Enterprise Resource Planning) در نظر گرفته شوند. زیرا سیستم های اخیر برای سازمان های عملیاتی طراحی می‌شوند و پاسخگوی اجزاء سازمان برای انجام يك پروژه نیستند.

سیستم اطلاعات مدیریت پروژه PMIS، سیستمی است که هدف آن تسهیل جریان های اطلاعاتی و ارتباطی بین ارکان و اجزاء پروژه است و به طور اخص جهت تسریع در امور تصمیم گیری مدیران، دسترسی به اطلاعات دقیق، صحیح و روزآمد پروژه‌ها طراحی شده است. اهداف سیستم اطلاعات مدیریت پروژه



ملاحظات در باره الگوی تهیه طرح‌های شهرسازی در مناطق آزاد

مقدمه

تفکر تهیه طرح‌های شهرسازی طی برنامه سوم عمرانی کشور (سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶) مطرح گردید. در اردیبهشت سال ۱۳۴۲ نیز وزارت آبادانی و مسکن تاسیس شد و اجرای طرح عمران شهری و آبادانی روستائی کلاً از دفاتر فنی وزرات کشور و سازمان برنامه وقت منتزع شد و به وزارتخانه جدیدالتاسیس محول گردید. اما، اقدامات شهرسازی در طول برنامه سوم و در نهاد تازه تاسیس همچنان با تأثیر پذیری از سابقه تاریخی خود حول اجرای طرح‌های عمران شهری از قبیل آسفالت معابر، احداث غسلخانه‌ها، کشتارگاه‌ها، سیل‌بندهای شهری و نظایر آنها می‌چرخید. تنها، با تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی، تیرماه ۱۳۵۳، و گنجاندن وظیفه تهیه طرح‌های شهرسازی تحت عناوین "طرح جامع" و "طرح تفصیلی" در قانون تغییر نام وزارتخانه مذکور است که تهیه و اجرای طرح‌های شهرسازی به عنوان یک نظام یکپارچه و سلسله مراتبی شکل می‌گیرد و از اقدامات پروژه‌ای منفرد یعنی اجرای پروژه‌های عمران شهری به نظامی هدفمند و یکپارچه برای تمشیت امور شهر در قالب سازمان فضایی متحول می‌شود.

در برخی از مناطق آزاد کشور که با هدف ایجاد "سکوی توسعه صادرات" به صورت قلمروهای گمرکی مستقل ایجاد شده‌اند، پدیده‌ای استثنائی نیز به وجود آمده است. این مناطق مانند اروند، قشم و ماکو، در قلمرو قانونی خود، شهرهایی را پوشش می‌دهند که حدود وظایف بنیادی آنها را فراتر می‌برد و با تهیه و اجرای طرح شهرسازی برای شهرهای تحت پوشش نیز درگیر می‌سازد. به ویژه، سازمان منطقه آزاد اروند با دربرگرفتن شهرهای آبادان و خرمشهر که از زمره شهرهای مهم محسوب می‌شوند، به علت صدمات و آسیب‌های وارده به این شهرها طی جنگ تحمیلی هشت ساله، خدمات ترمیم و بازسازی این شهرها را نیز به عهده دارد. مساله از اینجا آغاز می‌گردد و آنچه می‌خواهیم بگوییم این است که تهیه طرح‌های شهرسازی در مناطق آزاد کشور از قالب تهیه یک طرح شهرسازی تحت استانداردها و شرح خدماتی که از آن می‌شناسیم و درباره آن می‌دانیم، فراتر می‌رود و حیطه وسیع‌تری را در برمی‌گیرد. به زبان دیگر، شهرهای واقع در محدوده قانونی مناطق آزاد فقط به عنوان یک سازمان فضایی جهت اسکان "جمعیت" و انجام "فعالیت" مطرح نیستند. بلکه، تمشیت امور آن‌ها باید با ماهیت و وظیفه اصلی مناطق آزاد و دیدمان و فلسفه تاسیس این مناطق یعنی ایجاد سکوهایی توسعه صادرات نیز پیوند بخورد تا بتواند تحقق مأموریت‌ها، اهداف و استراتژی‌های تعیین شده برای منطقه و توسعه اقتصادی آن را تسهیل نماید. لذا به مدل و ابزار دیگری به نام "برنامه ریزی منطقه‌ای" نیاز داریم که بتواند ایجاد یک سازمان فضایی کارآمد شهری را با ویژگی‌ها و اهداف کل منطقه پیوند داده و بین آنها ارتباط متقابل و هدف مشترک ایجاد کند. نگارنده مقاله زیر، سعی کرده است این نکته را مطرح کرده و به تهیه طرح‌های شهرسازی در قلمرو فزائی مناطق آزاد، شکل و بویی تازه بدهد.

سردبیر

آزاد را که شهرهایی در قلمرو خود دارند و در این شهرها، نهادهای تمشیتی مستقلی به نام شهرداری‌ها نیز حضور دارند از این دام و بلیه رها کنید. طبعاً باید این موضوع را در نوشتاری دیگر پی‌بگیریم.

گام دوم، درختچه نظام

برنامه ریزی و شهرسازی

هدف از نمایش درختچه نظام برنامه‌ریزی و شهرسازی، شناخت جایگاه مطالعات شهرسازی در مناطق آزاد است. ذکر این نکته ضروری است که مناطق آزاد از ابتدا به عنوان راهکاری برای توسعه کشورها در قالب استراتژی‌های توسعه صادرات و تکیه بر تولید داخلی به جای واردات کالا تاسیس شده‌اند. بنابراین، مقیاس عملکرد مناطق آزاد از تعریف طرح‌های توسعه شهری در درختچه برنامه‌ریزی و شهرسازی فراتر می‌رود و اثرگذاری آن، سمت و سوی منطقه‌ای می‌گیرد. البته، این بدان معنا نیست که نیازی به انجام مطالعات اخص برای تهیه طرح‌های توسعه شهری نیست. بلکه، برنامه ریزی منطقه‌ای که کانون توجه

طرحی که نحوه استفاده از زمین برای مراکز سکونتی و فعالیتی را مشخص می‌کند و همچنین تعیین خدمات و تاسیسات شهری لازم برای انجام این کارها را نیز به عهده دارد. از سویی تهیه طرح تفصیلی شهری را شهرداری‌های کشور به عهده دارند. جدا از مسائل مربوط به تفکیک طرح‌های جامع و طرح‌های تفصیلی بین دو نهاد حاکمیتی و عمومی و تعارضات و ناهماهنگی که بین این دو دستگاه در امر تهیه و اجرای طرح‌های شهرسازی پیش آمده است و همچنین با توجه به جو حاکم بر شهرداری‌های کشور جهت تامین منابع مالی لازم برای ارائه خدمات شهری، تراکم فروشی در طرح‌های تفصیلی به یک امر غالب و مسلط تبدیل شده و معیارهای شهرسازی را در حوزه میزان تراکم بهینه جمعیت و ساختمان در محلات شهری بهم ریخته و چالش‌های شهری متعددی را به وجود آورده است. اما این بحث موضوع گفتار ما نیست. اما خود موضوعی بس مهم است که باید اندیشید که چگونه می‌توان مناطق

فرآیند مطالعات برنامه ریزی شهری در مناطق آزاد به چه صورت باید باشد تا اطمینان حاصل شود که در مسیر درست قدم برداشته ایم؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند شناخت گام‌های مختلفی است که فرآیند مطالعات برنامه ریزی فضایی و تهیه و اجرای طرح‌های شهرسازی با آن درگیر است؛

در گام اول، تعریف ساختار

نظام شهرسازی کشور قرار دارد.

آمر آمایش (مدیریت استفاده از منابع و ظرفیت‌های کشور در قالب اهداف راهبردی بلند مدت) پس از انقلاب اسلامی به دو وظیفه مجزا تقسیم شد: سازمان برنامه و بودجه موظف شد که استفاده بهینه از این منابع و ظرفیت‌ها را با رویکرد توسعه اقتصادی اجتماعی تعریف نماید و وزارت مسکن و شهرسازی تدوین برنامه فیزیکی و مطالعات کالبدی برای تحقق این امر را به عهده گرفت. وزارت مسکن و شهرسازی در ادامه آمایش سرزمین و در راستای تمشیت سکونت و فعالیت در ساختارهای شهری کشور، وظیفه تهیه طرح‌های جامع شهری به عنوان

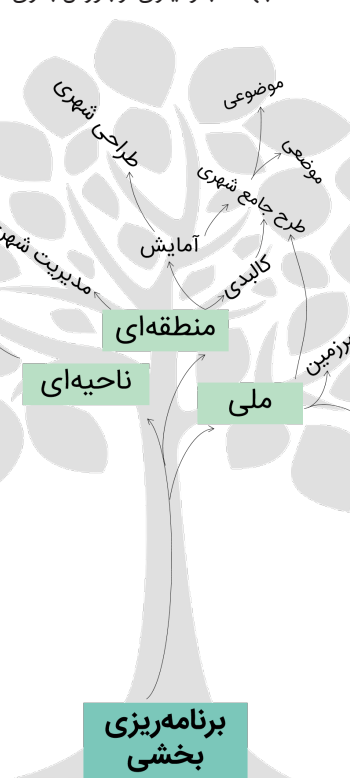
فرآیند مطالعات برنامه ریزی شهری در مناطق آزاد به چه صورت باید باشد تا اطمینان حاصل شود که در مسیر درست قدم برداشته‌ایم؟

و دیگری شروع می‌شود.» تعریف کردی از زیرساخت فراتر از جاده‌ها و پل‌ها است، او عقیده دارد که خردمندی منتهی به رشد جدید می‌شود و رشد هوشمند، نفوذ و انگیزه را برای موج‌های جدید سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها فراهم می‌آورد.

جهت تاکید بر این موضوع، اشاره ای به نگرش پیتر هال در کتاب «شهرها در تمدن» می‌شود. هال، سه فاکتور اساسی را که مقدمات و پایه‌هایی برای ایجاد ثروت در شهر و منطقه به حساب می‌آیند، چنین بیان می‌کند: «فرهنگ، نوآوری و زیرساخت‌ها، ترکیب‌هایی‌اند که رشد اقتصادی را به بار می‌آورند.» چین جیکوبز در مقاله اقتصاد شهرها بدین نکته می‌پردازد که خلاقیت و نوآوری و قوه اختراع ضرورتی برای ایجاد ثروت در شهرهاست.

سطح برنامه ریزی منطقه ای به دلیل برقراری تعادل و کاهش نابرابری و برقراری ارتباطات درونی و برون منطقه‌ای، به جای مطالعات توسعه شهری پیشنهاد می‌گردد که اساس تهیه آن انجام مطالعات اقتصادی مختص آن منطقه است که به تبع خود تعادل اجتماعی را به دنبال دارد و به ثمر نشستن و نتیجه شهودی آن از طریق برنامه ریزی فضایی رخ می‌دهد. پارامترهای افزایش رقابت پذیری بین المللی و تمرکززایی صنایع و مدرنیزه کردن صنایع در بخش تولید به اضافه فاکتورهای امروزه نظیر نوآوری و خلاقیت و تقویت زیرساخت‌ها از مهم‌ترین پارامترهایی است که باید در عصر حاضر در مطالعات برنامه‌ریزی منطقه‌ای به آنها توجه شود. مناطق آزاد باید این سطح از مطالعات را در برنامه‌ریزی توسعه شهری خود پی بگیرند. ■

این نگرش را در کلان شهرهای توکیو، بارسلونا، نیویورک و پاریس می‌توان دید، سنگ بنای مطالعات برنامه ریزی فضایی، انجام صحیح مطالعات توسعه اقتصادی در مکان و پیرامون آن است. افزایش قدرت رقابت پذیری بین المللی و مدرنیزه کردن ساختار اقتصادی و انتقال از صنایع سنتی به بخش های تولیدی با ارزش افزوده بالا جهت جذب بازار بیشتر، از اساسی‌ترین پارامترهای مطالعات برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. هم چنین، تفکر ایجاد تعادل بهتر بین حوزه مرکزی و حوزه های پیرامونی و توسعه توأمان بخش صنعت و خدمات جهت جلوگیری از بورس بازی



انواع طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای کشور

زمین باید مد نظر قرار گیرد. از دیگر پارامترهایی که در حال حاضر بدان توجه زیاد می‌شود، توجه به زیرساخت های نهادینه شده در یک منطقه است، این زیرساخت ها توانایی ارتباط با پیرامون را افزایش داده و سبب رشد و ثروتمند شدن آن منطقه می‌شود، کریستوفر کندی در کتاب ارزیابی برترین شهرهای جهان عمیقاً به این موضوع باور دارد «اقتصاد شهرها و مناطق و سیستم‌های زیرساختی آنها طوری در هم تنیده است که اغلب به سختی می‌توان گفت کجا یک زیرساخت تمام شده

آن فضا است و به برقراری تعادل در این فضا می‌پردازد، باید به عنوان الگوی اصلی مطالعات در نظر گرفته شود. برنامه ریزی منطقه ای با هدف کاهش نابرابری بین منطقه ای و درون منطقه‌ای از یک سو و ایجاد تعادل در میزان توسعه در تمامی زمینه‌ها بین نواحی درون منطقه‌ای و در راستای عدم تمرکزگرایی و نزدیک کردن سطوح ملی و محلی به یکدیگر به کار می‌رود. گستره ی برنامه ریزی منطقه ای در سطح میانی است، سطح بالاتر آن ملی و سطح پایین‌تر ناحیه‌ای است. تاکید بر این نکته که تفکرات پیدایش نظریه های برنامه ریزی منطقه‌ای از امریکا و شوروی سابق آغاز شده است، به درک نوپا و نوظهور بودن این نوع از برنامه ریزی کمک می‌نماید. تا قبل از سال ۱۹۶۳، نگاه برنامه ریزی

نگاهی «ارزش گذار» بود. ولی از سال ۱۹۶۳ به این طرف، نگاه برنامه ریزی «ارزش پذیر» است. این، بدان معنا است که برنامه ریز، باید برنامه ریزی را حاصل فرآیند اجتماعی تلقی نماید. برنامه ریز، نقش هماهنگ کننده بین دیدگاه های مختلف مسئولین، تصمیم گیرندگان، مجریان و مردم را بر عهده دارد و تنها در این صورت است که تحقق اهداف طرح امکان پذیر می‌شود. بدین معنی که از سال ۱۹۶۳ به بعد عنوان تحول طبیعی شاخص ارزش گذاری در برنامه‌ریزی منطقه‌ای نبوده و تحولات شهرنشینی و توسعه کالبدی به هر جهت پاسخگوی نیاز منطقه نیست و نظام‌های دیگر توسعه بر برنامه‌ریزی موثر واقع شدند. توسعه اقتصادی و اجتماعی مدت‌ها بود که با برقراری نظام‌های مالیاتی و سایر مقررات سیاسی در نظام کشورها از حالت طبیعی خارج شده و دیگر امکان نداشت که توسعه فضایی، جدا و مستقل از سیاست‌های اقتصادی- اجتماعی در نظر گرفته شود و انتزاعی و مجرد فرض شود. از این رو، ایجاد تعادل اجتماعی، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی فضایی هر سه باید در انجام مطالعات برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد استفاده و در تلفیق با یکدیگر به کار گرفته شوند.

به گفته ماجدی در کتاب نظریه‌های ساختاری راهبردی شهری و ناحیه‌ای،

الگوی تهیه طرح‌های توسعه شهری، در مناطق آزاد باید با الهام از مطالعات برنامه‌ریزی منطقه‌ای به تعادل و یکپارچگی فضایی منجر شود.



ماجرای توسعه دبی (بخش اول: نقش کانال آبی در توسعه)

مقدمه

واژه "امارات" به معنی شیخ نشین یا امیر نشین است. کشور امارات متحده عربی که عمر استقرار دولت در آن به حدود چهار دهه و اندی می رسد، از ۷ امیرنشین ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، راس الخیمه، ام القوین، فجیره و العین تشکیل شده است. امارات متحده عربی توانسته است طی سالهای اخیر از طریق پیوند با شبکه ها و زنجیره های ارزش بین المللی و به تعبیری دیگر جهانی کردن اقتصاد خود و در غیاب نقش آفرینی پیشرو ایران طی سالهای دهه هفتاد میلادی در منطقه، به سرعت گام های توسعه را طی کرده و تولید ناخالص داخلی خود را در سال گذشته به حدود ۵۰۰ میلیارد دلار برساند و رتبه بیست و هشتم دنیا را در طبقه بندی های دو نهاد بین المللی پولی و بانکی یعنی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در این شاخص به خود اختصاص دهد.

در میان امیرنشین های فوق، دبی، گوی سبقت را در امر توسعه از سایر شیخ نشین های این اتحادیه ربوده است.

استراتژی های توسعه دبی مبتنی بر "تجارت آزاد"، "بندر آزاد" و "آسمان باز" بوده است. این استراتژی ها، خود را در برنامه های و پروژه های مختلفی که ارتباط مستقیم با این استراتژی ها دارند مانند بندرسازی و جا به جایی بار در احجام چند دهه میلیونی کانتینری، توسعه شبکه های مواصلاتی و حمل و نقلی و دریانوردی، ایجاد هاب های لجستیکی و گسترش آن در اقصا نقاط جهان، ایجاد خطوط هوانوردی بین المللی با ارقام حیرت آور در زمینه جابه جایی مسافر و غیره

بازتاب داده است. همچنین اثرات القائی توسعه در این زمینه ها، به توسعه تجارت و گردشگری در ابعاد وسیع و چشمگیر در این شیخ نشین منجر شده است. توسعه دبی، به عنوان یک الگوی موفق با بازدهی حداکثری و در زمان سریع، برای مناطق آزاد کشورمان قابل توجه و بهره گیری در چارچوب شرایط و سیاست های بومی آنها است. از این رو، از این شماره بولتن "رهوند" تا چند شماره آینده، این تجارب را دنبال می کنیم. اولین مطلب را به نقش احداث کانال آبی و اثرات آن در توسعه خدمات واسطه گری مالی، توسعه گردشگری و شهرسازی در این شیخ نشین اختصاص داده ایم. در طی این مقاله و مقالات آتی، ما از تحلیل عوامل و شناختن پایه ها و اساس توسعه خودداری کرده و مقالات ارائه شده جنبه توصیفی خواهند داشت. بدیهی است که در پایان ارائه مقالات، جمع بندی کاملی از علل و عوامل اصلی توسعه و نگرش ها و دیدمان های حاکم بر آن به عمل خواهیم آورد.

ادامه در صفحه بعد...

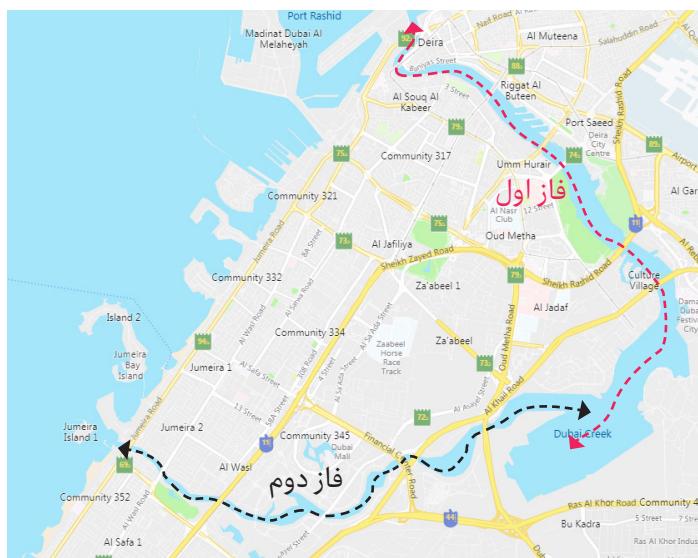


خور دبی

ادامه از صفحه قبل

پروژه خور دبی (پیشرفتگی رودخانه همسان آب دریا در ساحل صحرایی) که با عنوان انگلیسی Creek Dubai نامیده می‌شود و عرب‌های اماراتی آن را "خور زندگی" در رگ‌های دبی می‌دانند، کانالی است که در ابتدا، شیخ راشد معمار اولیه دبی، به طول ۱۴ کیلومتر آن را در مصب شرقی بندر الراشد به نام خود ساخت و در انتهای آن تالاب عظیم دبی ایجاد گردید و بعداً با احداث ۱۲ کیلومتر دیگر و تعمیق آن، پیمایشی ۲۶ کیلومتری در داخل سرزمین دبی را به دست آورد. طرف غربی مصب خور دبی به نام "رأس الخور" است که این کانال آبی، دبی را به دو قسمت به نام‌های "دیره" و "بردبی" تقسیم می‌کند. در نقاط مختلف این راه آبی، پل‌های متعدد احداث شده و قایق‌ها و کشتی‌های کوچک، راه آبی را در طول آن می‌پیمایند. اراضی شنی دو طرف این آبراه، اکنون به بزرگترین مراکز تجاری، خدماتی و بانکی دنیا تبدیل شده که بالاترین قیمت‌های زمین چه به صورت خرید و چه به صورت اجاره در جهان را به خود اختصاص داده است. احداث خور دبی به طول ۲۶ کیلومتر بیش از ۱۸۰۰ میلیارد دلار سرمایه جذب نموده و پانصد هزار شغل ایجاد کرده است که در ساخت و ساز پروژه‌های مختلف آن نیروی کار ارزان قیمت از شبه قاره هند و فیلیپین سهم زیادی داشته‌اند. اجرای این پروژه، دستاوردهای زیر را برای دبی به همراه داشته است:

- ۱- ایجاد ۵۲ کیلومتر خط ساحلی (۲*۲۶) و تبدیل ریگزار دو طرف خور با عرض متوسط دو کیلومتر به گران‌ترین زمین‌های تجاری خاورمیانه با مساحت تقریبی $۲۶ * ۲ = ۱۰۴$ کیلومتر مربع
 - ۲- تلطیف هوا و تبدیل بیابان مرده و خشک داخلی به مکانی با چشم‌انداز زیبا که به عنوان «انرژی سبز» نام‌گذاری شده است.
 - ۳- ایجاد تأسیسات مدرن تجاری، اداری، تفریحی و گردشگری در کناره‌های راه آبی از قبیل جزایر نخل سه گانه و مارینا دبی
- موفقیت‌هایی که از اجرای این پروژه عاید شده است، دبی را بر آن داشته که کانال مشابهی را با مقیاس کلان‌تر در دستور کارهای اجرایی خود قرار دهد. این پروژه، حاوی حفر کانالی به طول ۷۵ کیلومتر، عرض ۱۵۰ متر و عمق ۶ متر است که از دریا در نزدیکی بندر «جبل علی» آغاز شده و پس از دور زدن آن در خشکی، در نزدیکی جزیره «بصیره» به دریا می‌پیوندد. هزینه اولیه احداث این کانال



تصویر پروژه خور دبی؛ بزرگ‌ترین کانال انسان ساخت جهان

حدود ۱۱ میلیارد دلار برآورد شده است. بدیهی است چندین ده برابر این سرمایه از استحصال ۱۵۰ کیلومتر ساحل جدید نصیب این شیخ‌نشین خواهد شد! در حقیقت، با این پروژه جدید پس از برنامه‌های موفق جبل‌علی، دبی مارینا و نخل‌های دبی که با استحصال زمین از دریا انجام شده، اکنون دو بلوار جدید ساحلی و از هر طرف به عمق حداقل یک کیلومتر در دست احداث قرار گرفته است. بدین شکل، بخش جدیدی از اراضی شنی بیابانی، تبدیل به حداقل یکصد و پنجاه کیلومتر مربع مرغوب‌ترین اراضی ساحلی خاورمیانه شده که کارشناسان بهای این مقدار زمین استحصالی را ۱۵۰ میلیارد دلار تخمین زده‌اند. با اجرای این پروژه، ۲۰ هزار هکتار زمین‌های صنعتی و تجاری در دو سوی ساحل این کانال ایجاد می‌شود که هزینه آماده‌سازی و ساخت‌وسازهای مورد نظر در آن حدود ۵۰ میلیارد دلار برآورد شده است. اجرای این پروژه عظیم، علاوه بر فرصت‌های ساخت‌وساز جدیدی که برای دبی در طرفین این کانال آبی (۱۵۰ کیلومتر ساحل جدید) و محوطه میانی کانال به وجود خواهد می‌آورد، سرویس‌های مورد نیاز برای جزایر بازیافتی و دست‌ساز «نخل» امارات را نیز شکل خواهد داد. ■

